نکته

ترامپ باز هم از ایران شکست می‌خورد

استراتژی در هم شکسته کاخ سفید

گروه بین‌الملل

در ادامه تحلیل‌های منطقه‌ای و بین‌المللی درباره تحولات منطقه و به طور خاص جنگ آمریکا و ایران، وب سایت قطری عربی ۲۱ در مقاله‌ای تحت عنوان «فروپاشی استراتژی ایالات متحده در قبال ایران»، نوشت: سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران تا کنون تا این حد مبتنی بر هذیان سیاسی، شعارهای پوچ، اطلاعات نادرست و فریبکاری که از سوی رئیس جمهور آن بیان می‌شود نبوده است؛ جایی که این استراتژی اتخاذ شده توسط دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، هیچ ارزش افزوده‌ای برای منافع ایالات متحده یا متحدان منطقه‌ای آن ارائه نمی‌دهد؛ بلکه آسیب قابل توجهی به آنها وارد می‌کند.

هذیان سیاسی ترامپ در جنگ با ایران

اصطلاح «هذیان سیاسی» در اینجا برای تشخیص وضعیت روانی ترامپ استفاده نمی‌شود، بلکه برای توصیف گفتمانی است که آرزوهای شخصی را با واقعیت در هم می‌آمیزد و قبل از دستیابی به اهداف، اعلام پیروزی می‌کند، سپس ظرف چند روز از مواضع خود عقب نشینی و قدرت نظامی را به شعارهایی بی‌ارتباط با هیچ برنامه سیاسی عملی تبدیل می‌کند. مشکل از زمانی شروع شد که این گفتمان دیگر صرفاً زُست رسانه‌ای نبود و به چارچوبی تبدیل شد که جنگ و مذاکرات در آن انجام می‌شود. ترامپ از زمان آغاز جنگ ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران در ۲۸ فوریه، همه را با مجموعه‌ای از شعارها و اظهارات و مواضع سیاسی پوچ سرگرم کرده است که در مجموع، چیزی را تشکیل می‌دهند که فقط می‌توان آن را «هذیان سیاسی» نامید. به عنوان مثال، یک هفته پس از جنگ، ترامپ گفت که "باید در روند انتخاب رهبر ایران مشارکت داشته باشد" و انتخاب آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای، به عنوان رهبر، اگر اتفاق بیفتد، برای او قابل قبول نخواهد بود. روز بعد ترامپ گفت که "هیچ توافقی با ایران جز تسلیم بی‌قید و شرط وجود نخواهد داشت" و پس از آن "انتخاب یک رهبر ایرانی مورد قبول او" خواهد بود.

در پایان ماه مارس ترامپ باز هم در اظهاراتی مضحک ادعا کرد که قبلاً نظام ایران را تغییر داده، زیرا موفق شده رهبران سیاسی و فرماندهان نظامی ارشد این کشور را ترور کند و اکنون در حال مذاکره با یک نظام جدید است. در اینجا در واقع ترامپ در مورد توافق سیاسی با یک کشور حرف نمی‌زد، بلکه به گونه‌ای رفتار می‌کرد که انگار حق دارد رهبری آن را تعیین کند. ترامپ همچنین ادعا کرد که می‌خواهد نفت ایران را بگیرد و کاری که در ونزوئلا انجام داد را در ایران هم تکرار کند. سپس در ۸ آوریل، وقتی خبرنگار ABC News از ترامپ پرسید که آیا به ایران اجازه می‌دهد از طریق تنگه هرمز هزینه‌های ترانزیت وضع کند، او گفت: «ما در حال بررسی انجام این کار به عنوان یک سرمایه‌گذاری مشترک هستیم. این راهی برای ایمن‌سازی آن و همچنین محافظت از آن در برابر بسیاری از طرف‌های دیگر است. این ایده بسیار خوبی است.» روز بعد، یورونیوز گزارش داد که ترامپ یک پروژه مشترک با تهران برای اعمال سیستم عوارض ترانزیت پیشنهاد داده است. با این حال، او بعداً خواستار «باز بودن تنگه هرمز بدون هیچ گونه هزینه‌ای از سوی ایران» شد، پیش از آنکه در ۱۳ جولای اعلام کند که عوارض ۲۰ درصدی برای کالاهای عبوری از تنگه وضع خواهد کرد. سپس ترامپ دوباره از این موضع خود عقب نشینی کرد و گفت که کشورهای خلیج فارس این درصد را مستقیماً به آمریکا پرداخت نخواهند کرد، بلکه در ازای حفاظت آمریکا از تنگه، سرمایه‌گذاری‌های مستقیمی در ایالات متحده انجام خواهند داد.

ترامپ قطعاً شکست می‌خورد

اما واقعیت این است که آنچه ترامپ در چهل روز بمباران ایران نتوانست به آن دست یابد، با پرتاب بمب‌های بیشتر به آن دست نخواهد یافت. اما این تهدیدات گستاخانه نگرانی‌های جدی در مورد نقض قوانین بین‌المللی بشردوستانه ایجاد می‌کند و هدف قرار دادن عمدی اهداف غیرنظامی جنایت جنگی محسوب می‌شود. وقتی اغراق، تناقض و شخصی‌سازی به ابزار تصمیم‌گیری تبدیل می‌شوند، تأثیر آنها دیگر محدود به لفاظی‌های رسانه‌ای نیست، بلکه به اجرای جنگ و مذاکرات نیز گسترش می‌یابد. بنابراین، طبیعی بود که واشنگتن با این یادداشت تفاهم (اشاره به توافق اسلام آباد) نه به عنوان تبادل همزمان تعهدات، بلکه به عنوان وسیله‌ای برای به دست آوردن آنچه که در ابتدا می‌خواست و به تعویق انداختن آنچه که موظف به ارائه آن بود، رفتار کند. در توافق اسلام آباد، تهران تلاش کرد هرگامی را که برمی‌داشت، مشروط به گام متقابل واشنگتن کند. به عنوان مثال، ایران تنگه هرمز را باز می‌کرد و در عوض، جنگ علیه لبنان پایان می‌یافت، حاکمیت آن محترم شمرده می‌شد، بخشی از دارایی‌های مسدود شده ایران آزاد می‌شد و تحریم صادرات نفت آن لغو می‌شد. با این حال ترامپ تلاش کرد که با زهم از استراتژی فریب استفاده کند و با توافق اسلام آباد به عنوان یک خروج تاکتیکی از جنگ رفتار کرد نه یک تعهد سیاسی متقابل و از این یادداشت تفاهم دو چیز می‌خواست: باز شدن تنگه هرمز و خروج از جنگی که ثابت شده بود غیرقابل پیروزی است. اما در عین حال، نمی‌خواست هزینه آن را بپردازد. اما ایرانی‌ها که با شخصیت ترامپ آشنایی دارند از ابتدا هم می‌دانستند که نباید به او اجازه دهند که از آنها پیشی بگیرد و بنابراین باید همه تلاش خود را برای موظف کردن وی به انجام تعهدات خود در یادداشت تفاهم اسلام آباد به کار بگیرند. برهمین اساس، ایران از کنترل تنگه هرمز دست نخواهد کشید و می‌داند که کنترل تنگه هرمز نه تنها به یک نیروی دریایی قدرتمند، بلکه به توانایی تهدید کشتیرانی تجاری و پرهزینه و ناامن کردن ادامه آن نیاز دارد.

نتیجه‌ای که در این میان حاصل می‌کنیم آن است که بازگشت ترامپ به جنگ با ایران، صرفاً ادامه سیاست‌های توهم‌آلودی است که از زمان آغاز این درگیری بر آن حاکم بوده است و البته به نتیجه دلخواه او نخواهد رسید. آنچه ترامپ در چهل روز بمباران نتوانست به آن دست یابد، با پرتاب بمب‌های بیشتر محقق نخواهد شد؛ زیرا این شکست نه تنها نظامی است، بلکه شکست در تدوین یک پایان سیاسی برای جنگی است که هیچ هدف و نتیجه‌ای ندارد.

رمزگشایی از پروژه مشترک ترامپ و ونس

ادامه از صفحه اول

با توجه به اثبات شکست مطلق آمریکا و رژیم صهیونیستی در رسیدن به اهدافشان در ایران و درس آن‌ها برای اندازی نظام جمهوری اسلامی، اکنون دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان مسئولیت مهمی در تشریح نقشه اولیه مشترک «نتانیاهو-ترامپ» جرایی ناکامی و تباهی آن دارد. فراموش نکنیم که مقامات آمریکایی در ماورای تکرار مداوم گزاره «عدم اراده آمریکا برای تغییر نظام ایران" مشغول خلق یک تصویر جدید در ذهن مخاطبان بین المللی خود هستند. تصویری که طبق محاسبات واشنگتن باید جایگزین تصویر «شکست آمریکا در جنگ رمضان" شود. از این رو خاستگاه اظهارات اخیر ونس و ترامپ را باید در الگوواره‌های جنگ شناختی و مهندسی افکار عمومی دنیا جست و جو کرد و از کنار آن به سادگی نگذشت.

چرا تقابل با هژمونی آمریکا، جبر توسعه، بقا و استقلال است و چرا ایران نمی‌توانست جلوی این جنگ تاریخ‌ساز را بگیرد؟

کالبدشکافی یک نبرد ناگزیر

KAZAKHSTAN
KYRGYZSTAN
TURKMENISTAN
TAJIKISTAN
Dushanbe
Ashkhabad
IRAN
AFGHANISTAN
Kabul
Islamabad
PAKISTAN
Tehran
Mashhad
Herat
Esfahan
Kerman
Zahedan
Bandar-e' Abbas
Quetta
Kandahar
Lahor
Karachi
Kalat
Gwadar
Hyderabad
Jodhpur
Bikaner
Ajmer
Multan
Bushehr
Basra
Baghdad
IRAQ
SYRIA
JORDAN
KUWAIT
BAHRAIN
Manama
QATAR
Doha
Riyadh
UNITED ARAB EMIRATES
Abu Dhabi
Muscat
Tropic of Cancer
EGYPT
Medina
Mecca
Buraydah
Al Wajh
Tabuk
Aqaba
Amman
Beirut
Damascus
Aleppo
Ankara
Erzurum
Tbilisi
Yerevan
Baku
Ashgabat
Bishkek
Gyzylorda
Aktau
Astrakhan
Volgograd
Kazan
Samara
Orenburg
Omsk
Novosibirsk
Barnaul
Ulan Bator
Kashgar
Urumqi
Lanzhou
Xi'an
Chengdu
Kunming
Lhasa
Kathmandu
Thimphu
Dhaka
Chittagong
Yangon
Mandalay
Vientiane
Hanoi
Haikou
Guangzhou
Hong Kong
Taipei
Kaohsiung
Manila
Cebu
Davao
Kuala Lumpur
Penang
Medan
Jakarta
Surabaya
Bandung
Denpasar
Kupang
Ambon
Ternate
Manado
Pontianak
Banjarmasin
Palembang
Pekanbaru
Padang
Bangkok
Phuket
Chiang Mai
Vientiane
Phnom Penh
Siem Reap
Ho Chi Minh City
Da Nang
Hue
Hanoi
Haiphong
Vinh
Hue
Da Nang
Quy Nhon
Nha Trang
Phan Thiet
Vung Tau
Ho Chi Minh City
Can Tho
Rach Gia
Ca Mau
Phnom Penh
Battambang
Siem Reap
Sihanoukville
Kampong Cham
Stung Treng
Pakse
Savannakhet
Luang Prabang
Vientiane
Xieng Khouang
Phonsavan
Sam Neua
Muang Xay
Luang Namtha
Bokeo
Oudomxay
Phongsaly
Xiangkhoang
Sekong
Attapeu
Champasak
Saravane
Khammouane
Bolikhamxay
Vientiane
Xaisomboun
Sainyabuli
Xaisomboun